

## بررسی و نقد کتاب تمدن اسلامی در عصر عباسیان

شهلا بختیاری\*

### چکیده

متون و کتاب‌های متعددی باب آشنایی خوانندگان امروزی را با دستاوردهای کهن تمدن باز می‌کنند. نقد این کتاب‌ها راهی به سوی زدودن ابهام و روشن کردن قابلیت‌های متون و حوزه‌های متعدد فکری و نگارشی نویسندگان و، در مواقع ترجمه، مترجمان آن‌ها محسوب می‌شود. در خصوص موارد قوت و کاستی کتاب *تمدن اسلامی در عصر عباسیان* از حوزه تألیف و ترجمه می‌توان فرض کرد که ارائه دستاوردهای تمدنی عصر عباسی انگیزه تألیف و ترجمه شده است و میزان موفقیت نویسنده و مترجم در آن بالا بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که موارد قوت کتاب در مقایسه با کاستی‌های آن بیش‌تر است. مؤلف با داشتن رویکردی شریعت‌محور عمل کرده و به‌خوبی از ارائه دستاوردهای تمدنی اسلام در حوزه‌های گوناگون برآمده است. مترجم نیز، با گزینش اثری مناسب، جای خالی چنین آثاری در زبان فارسی را پر کرده و متنی حتی برای تدریس، با کاستی‌های اندکی در حوزه ترجمه، عرضه کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** تمدن اسلامی، عصر عباسیان، نقد متون، آثار تألیفی.

### ۱. مقدمه

نقد را می‌توان دانش تنقیح آثار و نوشته‌ها دانست که علاوه بر روشن ساختن نوشته‌ها به زدودن ابهام از آن‌ها و بارور ساختن ظرفیت‌هایشان کمک می‌کند. از این حیث نقد نوعی

---

\* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه الزهراء dr\_shba@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۴

واکاوی به حساب می‌آید که فرد و، به عبارت روشن‌تر، خواننده را در کشف قابلیت‌های متون، حوزه فکری و نوع نگرش نویسنده، توان‌مندی وی در مطرح کردن دغدغه‌های فکری‌اش، موفقیت متن در رساندن اهداف و انگیزه‌های تألیف، دریافت هدف نوشته و میزان نوآوری آن، اتقان و مستند بودن استنادها و مسائل بسیار دیگری از این دست یاری می‌کند. با این توضیحات می‌توان در دو حوزه اثر و مبدع اثر نگاهی منتقدانه به قصد دریافت قوت‌ها و شناخت ضعف‌های اثر به نوشته‌ها داشت. از این تأکید نیز نباید غافل بود که نقد دوسویه با هدف روشن ساختن قوت‌ها در کنار دریافت حوزه‌های ضعف و یا مغفول، به عمد و به سهو، به افزایش انتقال مفاهیم علمی آثار کمک می‌کند.

به این ترتیب نقد آثار تألیفی گامی بزرگ در دریافت اثرگذاری یک نوشته است. این امر با بررسی نقاط قوت و ضعف آثار می‌تواند به عمیق‌تر شدن آن‌ها در فضای علمی کمک کند. به این سبب نقد متضمن شناخت نقاط قوت و نیز نقاط ضعف یک اثر است و با همین هدف نیز انجام می‌شود. در حقیقت با این کار میزان اعتبار آن اثر به محک گذاشته می‌شود و روزه‌های جدیدی به سوی اصلاح و نوآوری‌های بهتر گشوده می‌شود.

از سوی دیگر، آثار مربوط به حوزه تمدن بشری دریچه‌ای به سوی درک بخش‌های عینی تاریخ است. نوشته‌ها و مکتوبات مربوط به این حوزه بخش‌های عملکردی زندگی جامعه انسانی را به تصویر می‌کشند و در کنار وقایع و رخدادها، محقق را به تماشا و بررسی منطقی متفاوت با مناظر ارائه‌شده در کتاب‌های تاریخ سیاسی دعوت می‌کنند. این امر بازسازی گذشته را ممکن‌تر و بازبینی دستاوردهای انسانی را عملی‌تر می‌سازد. آثار تمدنی مسلمانان بیان‌گر سابقه پیش‌رفت آنان و کوششی است که برای ساختن جامعه‌ای بهتر برای زندگی آسوده‌تر به کار برده‌اند. یکی از کتاب‌هایی که ما را به این مجموعه راهنمایی می‌کند کتاب *تمدن اسلامی در عصر عباسیان* است. عصر عباسی از لحاظ تمدنی ویژگی‌هایی دارد که این ویژگی‌ها بررسی آن را ضروری می‌کنند.

## ۲. معرفی اثر و ویژگی‌های آن

در این بخش کتاب از منظر ویژگی‌ها معرفی می‌شود. قصد بر این است تا مختصات اثر، که ممیزه‌های ظاهری آن از دیگر آثار است، نشان داده شوند. وجود عواملی سبب شد تا اثر در یک بررسی معرفی‌گونه به بوته نقد کشیده شود. عواملی از قبیل تعلق به حوزه تمدنی که بخش جدایی‌ناپذیر تاریخ است، ویژگی‌های تمدنی عصری که از نظر زمانی بازه طولانی (عصر حاکمیت عباسیان) و از نظر گستره جغرافیایی وسعت زیادی (از مرزهای آسیای میانه

تا اقیانوس اطلس) را در اختیار داشت، و کاربردی بودن نتایج مطالعات حوزه تمدنی که می‌تواند با اندک تغییراتی در تطبیق با زمانه کارایی داشته باشد.

کتاب *تمدن اسلامی در عصر عباسیان* نوشته محمد کاظم مکی<sup>۱</sup> و ترجمه محمد سپهری است که تا به حال در سه نوبت چاپ شده است. چاپ نخست آن در سال ۱۳۸۳ و چاپ سوم آن از سوی انتشارات سمت در سال ۱۳۹۱ انجام شده است. این کتاب ۴۸۲ صفحه دارد. تعلق کتاب به حوزه تمدنی در تاریخ اسلام لزوم نگرش‌هایی از این دست را مهم و ضروری کرده است. طراحی کتاب در چهار بخش بوده است. این تقسیم‌بندی خود نیز تقسیمات جزئی‌تری دارد که می‌تواند ناشی از نگاه مؤلف به حوزه مورد بررسی باشد.

بخش نخست تمدن، عصر، سرزمین: مکی در فصل نخست این بخش به مفهوم تمدن و ویژگی‌های آن در دو قسمت میراث عرب و زبان‌های غیرعرب از جمله سه زبان انگلیسی، فرانسوی، و آلمانی پرداخته است و سیر تطور این اصطلاح را از اندیشمندان رومی تا زمان معاصر بیان کرده است. در فصل دوم، عصر عباسی و گستره جغرافیایی آن را از منظر تمدنی و تاریخی بررسی کرده و نگاشته است. وی عصر عباسی را به سه دوره متمایز تقسیم کرده است. عصر نخست عباسی (۱۳۲-۲۳۲ ق)، عصر عباسی دوم (۲۳۲-۴۴۷ ق)، و عصر عباسی سوم (۴۴۷-۶۵۶ ق) (مکی، ۱۳۹۱: ۴۴-۵۲).

معیار تقسیم‌بندی نویسنده بر حسب میزان پیش‌رفت و پس‌رفت تمدن بوده است. این نوع تقسیم‌بندی متمایز از تقسیم‌بندی‌های معمول است که دوران عباسیان را به دوران تأسیس و تثبیت، دوران شکوفایی و سپس اضمحلال تقسیم کرده‌اند.<sup>۲</sup>

گستره جغرافیایی حکومت عباسی: در نگاه مکی مملکت اسلامی در دوران عباسی به بزرگ‌ترین مساحت جغرافیایی خود رسید. مرزهای آن در شمال از بالاترین نقاط ترکستان در آسیا و کوه‌های پیرنه در اسپانیا، در جنوب دریای سرخ و اقیانوس هند تا دورترین نقاط صحرای بزرگ آفریقا، در شرق سرزمین سند و پنجاب در هند، و بخشی از چین تا اقیانوس اطلس در غرب امتداد داشت. به نظر می‌رسد همین ویژگی نشان می‌دهد مطالعه تمدنی این عصر می‌تواند قواعدی را ارائه دهد که برای مسلمانان فارغ از مرزهای سرزمینی و تقسیمات سیاسی وحدت‌زا باشد. آنچه امروزه به آن جهانی شدن گفته می‌شود، از نظر جغرافیایی، در حاکمیت عباسی به‌نوعی تحقق یافته بود.

بخش دوم کتاب به جامعه عباسی و احوال معیشت آن اختصاص یافته است. مکی نژادهای ساکن در قلمرو عباسیان را از نظر ایفای نقش در ساختار سیاسی پنج نژاد عرب، ایرانی، ترک، رومی، سیاهان و دیگران تقسیم کرده است. در بخش ادیان نیز وضعیت و

نقش اهل ذمه را در فضای سیاسی - اجتماعی بررسی می‌کند، اما برخلاف ذکر عنوان «مذاهب» در تیتراژ مربوطه (ص ۷۶) در متن مطلبی دربارهٔ مذاهب دیده نمی‌شود.

مباحث جمعیت‌شناسی و اختلاط نژادها، که در این کتاب به آن پرداخته شده است، برای شناخت ترکیب جمعیتی و تأثیرپذیری فرهنگی و اجتماعی حائز اهمیت است. به این مباحث به شکلی محدود و بیش‌تر در لابه‌لای حوادث و رویدادهای تاریخی پرداخته شده است و تا حدودی این خلدون به این مباحث ورود داشته است.<sup>۳</sup> توجه نویسنده به این بخش می‌تواند زوایای مهمی از ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی نژادها را روشن کند.

در بررسی معلوم می‌شود یکی از شاخصه‌های این بخش اختصاص فصلی به طبقات اجتماعی است (مکی، ۱۳۹۱: ۸۳-۹۲). مؤلف آنان را شامل اشراف، آزادگان، موالی، و بردگان می‌داند و بردگان را به سه گروه تقسیم می‌کند؛ بردگان خانگی برای تأمین رفاه خانواده، بردگان کارگر و کشاورز، و بردگان نظامی. مبانی تقسیم‌بندی وی خاص است که با تقسیمات جامعه‌شناسان امروزی متفاوت است. او اشراف را شامل هاشمیان می‌داند، به این ترتیب طبقهٔ اشراف در نگاه وی ممیزهٔ تعلق به خاندان اهل بیت را دارند. احتمالاً این ویژگی با بحث حیثیت اجتماعی در تقسیمات طبقات و اقشار اجتماعی سازگاری بیش‌تری دارد. او آزادگان را قبایل عرب و ساکنان اصلی سرزمین‌های فتح‌شده ذکر می‌کند که به اسارت درنیامدند. موالی حد فاصل آزادگان و بردگان فرض شده‌اند.

بخش‌های مسکونی اعم از ده، قریه، روستا، و شهر و شهرسازی در فصل دوم این بخش مطرح شده‌اند. این بخش، که وضعیت جغرافیایی مناطق مسکونی را بیان می‌کند، در عرصهٔ سیاسی و تاریخی اهمیت دارد؛ به نحوی که با مراجعه به منابع جغرافیایی می‌توان زوایای بسیاری از حوادث و رویدادهای تاریخی را روشن کرد.<sup>۴</sup> نویسنده نیز به اهمیت این موضوع واقف بوده و با ذکر بخش‌های مسکونی، ارتباط آن‌ها را با نحوهٔ فتوحات بااهمیت دانسته است. فتوحات پی‌درپی و جست‌وجوی منابع حیات به منظور فراهم کردن معیشت برتر و پیوستن به مراکز بحث و درس از عواملی است که موجب پیدایش نهضت مهاجرت از جزیرهٔ العرب و دیگر مناطق به سرزمین‌های فتح‌شده شد.

وی در توجه به ساختار اجتماعی به خانه‌های مردم، تأثیر ایرانیان در لباس عصر عباسی، انواع و اشکال لباس‌های عامه و خاصه، تفنن، تزیین و خودنمایی با لباس، خوراک و تحول غذا در عصر عباسی، انواع و عناصر خوراک‌ها، لوازم آشپزخانه و ظروف سفره، آداب سفره، مهمانی‌های عمومی و خصوصی، مجالس شراب، اوقات فراغت و تفریحات پرداخته که نشان‌دهندهٔ توجه بسیار وی به مسائل اجتماعی است. در این‌جا بیان مواردی از جمله

گردش در بوستان‌ها، به‌ویژه در اعیاد و اوقات فراغت، بازی با شطرنج و نرد و مسابقات ورزشی مانند چوگان، شنا، و شکار از نکات حوزه زندگی اجتماعی است که به‌خوبی مورد توجه نویسنده قرار گرفته است.

در فصل دیگری از این بخش اعیاد، مناسبت‌ها، و جشن‌ها از جمله اعیاد دینی اسلامی، اعیاد دینی غیراسلامی، اعیاد ملی و اجتماعی، و اعیاد خانوادگی و خصوصی مورد بحث بوده‌اند.

بخش سوم کتاب سه فصل به سازمان اداری، مالی، و اقتصادی عصر عباسی اختصاص یافته است. سیر تحول سازمان اداری در عصر عباسی، انواع دیوان‌ها و ضمن آن بیان حقوق کارمندان و تعطیلات هفتگی از اهم مطالب این بخش‌اند. مکی ذیل عنوان «ثروت در عصر عباسی» به ثروت انباشته در خزانه دولت، منابع مالی شرعی و جدید حکومتی، پول، طلا و نقره به منزله دو واحد اصلی پول، ضرب سکه و سیر تحول آن اشاره می‌کند. در ادامه شرح می‌دهد که به منظور تسهیل پرداخت و پرهیز از نابودی پول ابزارهای جدیدی به وجود آمد که علاوه بر حمل آسان، امنیت بالایی نیز داشت که این اسناد را سفته می‌نامیدند و نخستین بار ناصر خسرو از آن سخن به میان آورده است (۱۳۹۱: ۲۴۰).

فصل دوم این بخش به امور اقتصادی و عمران اراضی، کار، مالکیت زمین، زمین و زراعت، انواع دامداری و پرورش حیوانات، و معادن و انواع آن، که به منزله ثروت‌های زیرزمینی لحاظ شده‌اند، در عصر عباسی پرداخته است.

فصل سوم به صنعت، تجارت، و ارتباطات اختصاص دارد. تقسیم مهم‌ترین صنایع این عصر به صنایع غذایی، نساجی، لوازم خانگی، فلزی و پوست، عطر و رنگ، صنعت کاغذسازی و پیش‌فروش تولیدات صنعتی و نیز مطالبی درباره تشکیلات حرفه‌ای، که اعضای آن را صنعت‌گران، کسبه، و پیشه‌وران برای رفع مشکلات و رفع اختلافات تشکیل می‌دادند از مهم‌ترین مباحث این فصل است. استخراج این بخش‌ها از منابع دیگر، که به شکل محدودی به آن‌ها پرداخته‌اند، کار ارزشمندی است که نویسنده انجام داده است؛ زیرا منابع تاریخی کم‌تر این مباحث را بیان کرده‌اند و با مراجعه به منابع متعدد می‌توان نمونه‌هایی از آن‌ها را استخراج و جمع‌آوری کرد.<sup>۵</sup>

در بحث تجارت در عصر عباسی، مؤلف توزیع نابرابر مواد و کالاهای اساسی در مناطق، استقرار شماری از صنایع در برخی از مناطق، تلاش برای برقراری توازن در میان مناطق به منظور فراهم کردن امنیت مصرف و به عبارت دیگر انتقال مواد و کالاهای اساسی را برخی از اسباب رواج بازرگانی در این عصر می‌داند. او بازرگانی در سایه

حکومت اسلامی و عوامل دیگری از قبیل رشد و گسترش شهرها، افزایش جمعیت و در نتیجه رشد مصرف، افزایش تولید صنعتی و کشاورزی، رواج چک و سفته، رواج شیوه‌های تجاری مانند مضاربه، گسترش ضرب سکه، پایین آمدن بهای فلزات قیمتی، و افزایش مصرف کالاهای لوکس و تجملاتی را دلیل شکوفایی تجارت در عصر عباسی برشمرده است.

در مبحث «مبادلات تجاری در عصر عباسی» مؤلف با بررسی مراکز تولید و بازارهای مصرف به نتایجی رسیده است:

- شهرهای عصر عباسی مصرف‌کننده عمده غلات، روغن، مواد روغنی، سبزیجات، گوشت، انگور، خرما، ادویه‌جات، و انواع چاشنی غذا بود.

- مصرف عمده جمعیت‌های بدوی در جزیره‌العرب، صحرای بزرگ، آسیای میانه و ایران گوشت، مواد لبنی، چربی، و کره بود.

- در زمینه تجارت و صادرات حیوان، شتر در درجه نخست بود. اسب ایران به هند و خلیج فارس و اسب عربی به شام و مصر صادر می‌شد.

- جهان اسلام به طور کلی واردکننده مواد معدنی بود، زیرا تمدن اسلامی در صنعت و ضرب سکه نیاز مبرمی به این فلزات داشت.

- بیش‌تر مناطق جهان اسلام خالی از جنگل بود، مگر قسمت‌هایی محدود؛ بنابراین حکومت‌ها تدابیر اجرایی ویژه‌ای برای نظارت بر ثروت محلی و حفظ بیشه‌زارها و جلوگیری از غارت جنگل‌ها اتخاذ کردند؛ لذا راهی جز تأمین چوب از راه تجارت نبود.

- در عصر عباسی مبادله ظروف سفالی ساخت چین با شیشه‌های ساخت صور، صیدا، و اسکندریه نیز انجام می‌شد. مسلمانان سرور تاجران سنگ‌های قیمتی بودند.

ادامه مطالب این فصل به حضور گروه‌های متفاوت یهودی، مسیحی، بودایی، زرتشتی، و مانوی در کنار مسلمانان در نقاط دیگر جهان در بخش بازرگانی پرداخته است. در مباحث بازارها، مؤلف بازار را بازتابی از تمدن این دوران می‌داند و در ذکر فرایند تحول می‌گوید: بازارهای عربی سالیانه و موسمی بودند، اما در دوران‌های نخستین اسلامی هفتگی شدند و سپس شکل ثابت یافتند. در بغداد چندین بازار وجود داشت و هر صنفی راسته جداگانه‌ای داشت تا با سایر اصناف درنیامیزند. برخی از بازارها در خارج شهرها و در کنار دروازه‌ها و دیوارهای شهر و بر حسب تخصص تشکیل می‌شد.

موضوع بعدی ارتباطات است. مؤلف معتقد است راه‌های ارتباطی در عصر عباسی فقط شریان‌های تجارت و اقتصاد نبود، بلکه نقش‌های تمدنی دیگری نیز ایفا می‌کردند، از جمله

وسیله ارتباطی ملت‌ها، نشر عقیده، و خدمت‌رسانی به حاجیان. در این‌جا به جاده‌ها و راه‌های زمینی و مهم‌ترین آن‌ها، راه‌های رودخانه‌ای و دریایی اشاره می‌کند. در این بخش و فصل‌های آن بخش‌رو ساختی تمدن اسلامی نمایان شده است. اهمیت این بخش در حدی بوده است که در دولت عباسیان ابن خردادبه، که منصب خزانه‌داری دولت عباسی را در دست داشت، برای چگونگی جمع‌آوری مالیات در راه‌های ارتباطی منتهی به خلافت عباسی، اقدام به تدوین کتاب *المسالك و الممالک* کرد که یکی از منابع بسیار مهم در بخش جغرافیایی دولت عباسی محسوب می‌شود (ابن خردادبه، ۱۹۹۲).

بخش چهارم کتاب با سه فصل به «فرهنگ در عصر عباسی» اختصاص یافته است. مکی برای فرهنگ در عصر عباسی منابع و مراکز قائل است. او علاوه بر اسلام در منابع فرهنگ در عصر عباسی، منابع دیگری مأخوذ از دیگران را نیز دخیل دانسته است از جمله منابع فرهنگی یونانی، ایرانی، و هندی. وی معتقد است در این زمان نهضت فکری گسترده و عمیقی بر اساس اسلام ایجاد شد که علوم و دانش‌های جدیدی در زمینه‌های پزشکی، داروسازی، ستاره‌شناسی، علوم طبیعی، کیمیا، و ریاضیات برای خدمت به بشریت تقدیم کرد.<sup>۶</sup>

فرهنگ یونانی، هرچند خاستگاه این فرهنگ تمدن‌های شرقی قدیم در مصر، بابل، و فینیقیه بود، در عصر عباسی در قالب و شکل یونانی به مشرق‌زمین بازگشت. فرهنگ یونانی از طریق نهضت ترجمه به‌خصوص ترجمه متون فلسفی و ابواب علوم تجربی به عالم اسلام انتقال یافت.

در خصوص فرهنگ ایرانی نیز مسلمانان در زمینه دبیری، دیوان‌ها، و انتقال و ترجمه آثار ادبی از آن استفاده کردند و از سبک ایرانی، که متکی بر بیان، بدیع، و آرایش لفظی بود، تأثیر پذیرفتند. علاوه بر این، علوم عدیده‌ای از زبان فارسی به عربی ترجمه کردند، از جمله فلک، طب، حکمت، تاریخ، جغرافیا، و سازمان‌های دولتی.

در زمینه فرهنگ هندی مکی معتقد است در عصر عباسی، هند یکی از ولایات عصر عباسی و خاستگاه فرهنگ و اندیشه بود، زیرا مسلمانان از حکمت، ادبیات، علوم فلک و ستاره‌شناسی، حساب و خصوصاً پزشکی هند استفاده کردند.

مکی در بحث مراکز فرهنگ در عصر عباسی تقسیم‌بندی جغرافیایی فرهنگی مطرح کرده است. با وجود این و به رغم گستردگی فراوان، مملکت عباسی در حکم یک منطقه بود. اما مراکز به شش منطقه و مرکز تقسیم می‌شدند که با هم در تبادل و اقتباس علمی بودند. این مراکز عبارت بودند از: ۱. عراق و جنوب ایران، ۲. مصر و شام، ۳. خراسان و

ماوراءالنهر، ۴. سند و افغانستان، ۵. مغرب و شمال افریقا، و ۶. جزیره العرب. نویسنده در هر مورد، علاوه بر توضیح رشته‌های رایج در آن مناطق، نام شماری از دانشمندان مشهور آنجا را نیز ذکر کرده است.

وی در مطالعه‌ای اختصاصی رشد نهضت فرهنگی در عصر عباسی را مورد توجه قرار داده است. وی متذکر شده است در عصر عباسی فرهنگ فضای مناسبی داشت؛ زیرا حمایت حاکمان از علم و عالم، مشارکت حاکمان در مجالس بحث و مناظرات علمی، عکس‌العمل مثبت مردم، و احترام فوق‌العاده مردم برای فقیه و یا دانشمند در رشد آن تأثیر داشت. فرهنگ با استفاده از ابزارهایی توسعه یافت. مجالس درس، املا، و حلقه‌های علمی از راه‌های توسعه فرهنگ در عصر عباسی بود که پیش از تأسیس مدارس در مساجد برگزار می‌شد. مکی در فصل دوم این بخش «اندیشه در عصر عباسی» را مطرح و به سه محور اشاره می‌کند:

الف) علوم اسلامی و زبانی: دولت عباسی دولتی اسلامی بود و از آنجا که قانون‌گذاری اسلام بر دو منبع قرآن و سنت استوار است، علومی نظیر علوم قرآنی قرائت و تفسیر، علوم حدیث، فقه، اصول فقه، علم کلام، و علوم عربی پیدا شد که قرآن به این زبان نازل شد و احادیث در قالب آن است. مؤلف افزون بر ذکر توضیحاتی در این باره به نام تعدادی از مؤلفان و کتاب‌های آنان اشاره می‌کند.

ب) دستاوردهای علمی در عصر عباسی شامل همه دانش‌ها از جمله علوم انسانی و طبیعی می‌شود. از این رو نویسنده به بررسی تاریخ، جغرافیا، نجوم، ریاضی، کیمیا، گیاه‌شناسی، پزشکی، و داروسازی می‌پردازد و سیر تطور و تکامل آن‌ها را با ذکر دانشمندی برجسته در این رشته‌ها نشان می‌دهد.

ج) نهضت فلسفی: نویسنده معتقد است فلسفه هم‌چون ادبیات زاینده فکر عرب نبود، بلکه از طریق اقوام یونانی، ایرانی، رومی، و هندی به اندیشه مسلمانان راه یافت. در ابتدا کتاب‌های اقوام مذکور به زبان عربی ترجمه شد و رواج آن دستاوردهای تازه در فضای فکری اسلام آثار ارزشمندی به ارمغان آورد. نویسنده به فیلسوفانی بزرگ در این باره اشاره می‌کند.

این بخش از کتاب، با توجه به این‌که عصر طلایی تمدن اسلامی در دوران عباسی و متأثر از نهضت ترجمه، تبادل آرا و اندیشه‌های متفکران، و ارتباط فکری و فرهنگی کشورهای گوناگون با دولت عباسی بوده است،<sup>۷</sup> می‌تواند زوایای فکری دانشجویان را با پیشینه درخشان علمی و تمدنی اسلام آشنا کند.



فصل سوم «ادبیات و هنر در عصر عباسی» نام دارد. مکی در زمینه ادبیات در عصر عباسی معتقد است دستاوردهای ادبی و تولیدات هنری تصویر زمان‌اند و البته زاینده یک عصر معین. در عصر عباسی فضای تمدنی مناسب موجب شد تا دستاوردهای عظیم، متنوع، غنی، و گسترده ادبی و هنری حاصل شود. در نظر او پدیده‌های تمدنی عصر عباسی، که نقش مهمی در فعال‌سازی نهضت ادبی داشتند، عبارت‌اند از: ۱. انتقال نظم و نثر از مرحله شفاهی به مرحله تدوین، ۲. تحول سازمان‌های اداری دیوان‌ها، ۳. توسعه و گسترش مجالس ادبی در مساجد و دربار حاکمان، ۴. تأثیرگذاری در جنبش مطالعاتی در مباحث دینی مانند فقه و قرآن، ۵. راه‌یابی و نفوذ مذاهب جدید تمدن، ۶. تأثیرپذیری قصیده و مفردات آن و ترک خشونت بدوی، و ۷. حمایت مستمر از ادبیات و رقابت دولت‌ها در جذب ادبا.

یکی از زیرمجموعه‌های ادبی نثر، نثر ادبی است که در عصر عباسی در کنار شعر عربی در محافل و قلوب مردم مورد تقدیر و شگفتی واقع شد. انواع نثر ادبی عبارت بود از: نثر فنی دیوانی، رساله‌های اخوانی، قصه و حکایت، تألیف منابع ادبی، و مجامع ادبی.

در پژوهش و مطالعه شعر عباسی از نظر تمدنی دو پدیده شاخص بود: ۱. پیدایش دیوان‌ها و گزیده‌های شعری و ۲. گرایش‌ها و جریان‌های شعری. نویسنده به انواعی گوناگون در هر یک اشاره کرده است.

مکی در زمینه هنر نوشته است سرزمین‌هایی که اسلام آن‌ها را فتح کرده بود هم‌چون رومیان، ایرانیان، هندیان، و صقلیبیان میراث هنری ریشه‌داری داشتند. از تلاقی فرهنگ‌ها و روابط بین اقوام، خصوصیات و ویژگی‌های هنری اسلامی پیدا شد و در زمینه‌های معماری، تزیینات، خط، موسیقی، و نقاشی بروز کرد که نویسنده در هر مورد به نمونه‌هایی اشاره می‌کند. هم‌چنین به انواع دیگری از هنر مانند تئاتر نیز اشاره دارد.

بخش پایانی کتاب مکی خاتمه است. وی در انتها رئوس مطالب کتاب را در شش مورد خلاصه می‌کند و پس از آن فهرست‌هایی برای موارد زیر بیان می‌دارد:

۱. آیات، ۲. روایات، ۳. اشعار، ۴. اشخاص، ۵. گروه‌ها، ۶. جای‌ها، ۷. کتاب‌ها، و ۸. منابع و مأخذ.

### ۳. ویژگی‌ها و امتیازهای کتاب

پس از نقد مطالب کتاب به نظر می‌رسد می‌توان از دیدگاه انتقادی چند مسئله دیگر را نیز بررسی کرد.

الف) امتیازهای شکلی اثر: یکی از ویژگی‌های کتاب، که آن را برای محقق و خواننده ایرانی قابل استفاده کرده است، ترجمه نسبتاً روان آن است. هر چند این بحث باید در بخش ترجمه بیان می‌شد، در نقد کتاب حاضر نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

ذکر فهرست مطالب در ابتدا و فهرست‌های گوناگون و اعلام در انتهای کتاب امکان بهره‌گیری سریع از آن را آسان‌تر کرده است. خط و قلم مناسب، که از ویژگی‌های چاپی اثر است، نیز بر سهولت استفاده از آن افزوده است. بخش‌بندی و فصل‌بندی‌های محتوایی و زیرمجموعه‌های آن مناسب و مفید دیده می‌شود، در عین حال که مطالب کتاب را نظم محتوایی نیز بخشیده است. پانوشت‌هایی کتاب، علاوه بر مستندسازی مطالب، بیان‌گر حجم بسیار زیاد منابع مورد مراجعه نویسنده است. ذکر تاریخ سال وقایع به تاریخ هجری قمری و تقارن آن با سال میلادی نیز امکان تفکیک زمانی در مطالعه کتاب را فراهم آورده است. وجود مقدمه و نتیجه‌گیری در کتاب به دسترسی سریع به مطالب آن کمک می‌کند. در ضمن تک‌جلدی بودن اثر مزایایی از قبیل سهولت حمل و نقل، سرعت در دست یافتن به مطالب درون کتاب، و پرهیز از زیاده‌گویی را برای آن فراهم کرده است.

ب) امتیازهای محتوایی کتاب نیز نباید دور از نظر باشد. اثر حاضر منبع مفیدی برای درس کلیات فرهنگ و تمدن اسلامی محسوب می‌شود، به‌ویژه آن‌که کتاب مستقلی در این باره در عصر عباسی موجود نیست؛ همچنین جامعیت نسبی در ابواب مختلف فرهنگ و تمدن دارد که حاکی از احاطه علمی نسبی مؤلف است؛ از مدارک و اسناد معتبر و دست اول در کنار مطالعات و تحقیقات متأخر نیز در آن استفاده شده است. تعریف و تحدید عملیاتی محدوده پژوهش و کتاب و ابواب آن از ویژگی‌های دیگر کتاب است. بیان و روشن ساختن نسبت برخی مطالب هم‌سو و واژگان مترادف مانند نسبت بین فرهنگ و تمدن، استناد به آیات قرآن و روایات، و نیز بهره‌گیری از منابع در زمینه‌های لغت، اصطلاح، و تاریخ، و سرانجام گشودن دریچه‌ای به منظور درک اوج و فرود تمدن عباسی فراروی خواننده و افزایش دانش برای طالب علم از عمده‌ترین محاسن کتاب به شمار می‌آید.

#### ۴. مبانی نظام فکری نویسنده و تأثیر آن در نوشتار کتاب

علاوه بر ویژگی‌هایی که در بررسی شکل کتاب می‌توان دید، مسائلی در نظام فکری نویسنده سبب گرایش او به تألیف شده است که موارد ذیل را از اهم آن می‌توان دانست.

- گزینش تعریفی عام برای واژه تمدن به ضرورت گسترده‌گی و طولانی بودن عمر تمدن عصر عباسی: همان‌گونه که ملاحظه شد، مؤلف در بخش نخست در رویکردی

تئوریک درصدد بیان مفهومی واژه تمدن است. وی به این سبب تعاریف متعددی از تمدن بیان کرده که معنای شهرنشینی از آن مستفاد می‌شود و در مواردی به تعریف ابن خلدون نزدیک‌تر است. با توجه به وسیع بودن معنا و مفهوم تمدن، به نظر می‌رسد مکی درصدد بوده است حوزه‌ای از تعریف را برگزیند که به او شاخص‌های لازم در توضیح مبانی تمدنی عصر مورد نظر را بدهد. وی در ادامه بحث عناصر و ویژگی‌های تمدنی را مورد توجه قرار داده است.

وی چهار عنصر عقل، زمان، مکان، و نژاد را در تمدن عصر عباسی مهم می‌داند و در پایان نتیجه می‌گیرد که تمدن نتیجه تلاش پی‌گیر انسان از خلقت تاکنون است و هدف انسان از این تلاش پی‌گیر بالا بردن سطح زندگی مادی و معنوی خویش است.

- جست‌وجوی ریشه‌ها و عناصر ربط‌دهنده بدنه و ریشه تمدنی عصر عباسی: او در نگاه تمدنی به دنبال پیدا کردن اصول تشکیل‌دهنده تمدن و ساخت‌های آن است. نگرش وی در پی یافتن رونماها به‌ویژه در بدنه، تنه، و ریشه‌ها سبب شده تا در بخش تمدن و فرهنگ به دنبال ذکر رابطه بین این دو و تبیین تناسب آن‌ها باشد.

در فصل دوم، مکی آغاز تمدن عباسی را پیش‌تر از تاریخ عباسی و تاریخ تقریبی آن را سال ۹۸ ق می‌داند و خاطر نشان می‌کند که در نگاه تمدن‌محور نمی‌توان دوره‌های اسلامی را از هم جدا کرد.

از این حیث با وجود حرکت داشتن تمدن و تاریخ، پیشی داشتن تمدن بر تاریخ را امری مسلم می‌داند و در ادامه آن تمدن اسلامی نیز تمدنی است که بر تاریخ دولت اسلامی پیشی دارد و فراگیرتر است (مکی، ۱۳۹۱: ۳۳).

- غلبه تحولات سیاسی بر تحولات تمدنی: در تقسیم عصر عباسی به سه دوران متمایز فرض بر این بود که مؤلف موضوع یا امری در حوزه تمدنی را مد نظر قرار داده باشد، اما مطالعه و بررسی صفحه‌های ۴۴-۵۲ کتاب نشان می‌دهد که وی نیز در این فضا متأثر از تحولات تاریخ سیاسی است. قوت و قدرت خلفای عصر نخست در مقابل چیرگی ترکان در آغاز در عصر دوم و ظهور «دولت‌های کوچک در شرق و غرب اسلامی» (همان: ۴۹) و «فروپاشی مملکت اسلامی» (همان: ۵۰) در عصر سوم همه ناشی از نگاه از حوزه تاریخ سیاسی است تا تحولات تمدنی.

- شاخص بودن توجه به فعالیت‌های روزانه: مکی بخش دوم کتاب خود را در چهار فصل به زندگی و فعالیت‌های روزانه اختصاص داده است. این فصل به اثر وی متمایز ویژه‌ای بخشیده است. نگرش به جنبه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی، که می‌توان آن را

«روزانگی زندگی» نامید، سبب شده است تا در فضایی فارغ از توجه به دولت‌مردان و حاکمان تصویری ملموس‌تر از فضای اصلی زندگی منعکس شود.

- یافتن ریشه‌ای استنادی در احکام و آموزه‌های دینی: مؤلف در اغلب موارد با بهره‌گیری از آیات قرآن و یا احادیثی از ائمه شیعه کوشیده تا زمینه‌های بحث و سخنان خود را مستند کند؛ از قبیل سیاست و مدیریت در اسلام با استناد به آیات قرآن (ص ۱۹۵-۱۹۸)، بردگی در اسلام (ص ۸۶-۸۹)، قواعد و اصول نظام اداری، شرایط انتخاب، و حقوق و وظایف سازمان اداری (ص ۱۹۹-۲۰۱).

- وجود رویکرد شیعی: با وجود کوشش نویسنده برای نشان دادن شاخصه‌های تمدنی عام، مطالبی دال بر در نظر داشتن نقش شیعیان در تمدن عصر عباسی نیز ذکر شده است. مواردی از قبیل بحث اشراف که ناظر به علویان و هاشمیان و حقوق و تمایزات آنان است؛ استناد بسیار مطالب به سخنان ائمه یا منسوب به ائمه (در قالب پانویشت در اغلب صفحات)؛ و ضرب سکه اسلامی برای نخستین بار در دوران امام علی (ع) (ص ۲۳۷).

- در نگاه مؤلف ثروت انباشته در خزانه دولت با امور اداری در عصر عباسی ارتباطی تنگاتنگ، دوسویه و رو به پیشرفت داشت. وی در بحث منابع مالی نیز به خوبی منابع سستی را، که آن‌ها را منابع شرعی دانسته، از منابع مالیاتی جدید تفکیک کرده است (ص ۲۲۰-۲۲۱).

- حضور و غلبه شریعت محوری بر اندیشه نویسنده: جست‌وجوی بیش مؤلف از میان نوشته‌های وی مستلزم تحقیقی مستقل است، اما مواردی نشان می‌دهد که شریعت در اندیشه وی حضور دارد؛ برای مثال اقتصاد عصر عباسی را مکتبی مبتنی بر اقتصاد اسلامی می‌داند (ص ۲۴۳) و طبیعت و کار از نظر او دو منبع ثروت محسوب می‌شوند؛ از این حیث او کار را مقدس معرفی می‌کند.

وی با اسلامی دانستن عصر عباسی در هویت، مضمون و اصول همه علوم و معارف مسلمانان را مستند به قرآن و شریعت و عقیده اسلامی می‌داند. این امر می‌تواند ناشی از بیش و نگرش شریعت‌محور وی باشد. به این سبب است که وی در رأس منابع فرهنگ عباسی اسلام را ذکر می‌کند (ص ۳۰۸).

## ۵. تحلیل کاستی‌ها

سویه دیگر نقد ذکر کاستی‌ها برای رفع آن‌ها در دیگر نوشته‌هاست.

## ۱.۵ کاستی در ابعاد شکلی اثر

- این نوشته به عنوان منبع اصلی درس کلیات فرهنگ و تمدن اسلامی برای دانشجویان رشته الهیات ترجمه شده است و شایسته بود که در قالب متون کتب درسی سازمان‌دهی می‌شد؛ بدین معنا که به شکل درس هدف‌گذاری، خلاصه و نتایج در پایان آن درس ذکر می‌شد.

- فقدان نقشه، عکس و یا تصویر مناسب به‌ویژه در بعضی از مطالب، مانند نقشه برای شهرها و تطابق با نقشه‌های شهرهای امروزی: هم‌چنین شایسته بود با توجه به ویرانی بغداد پس از حمله مغول، نقشه‌ای بر اساس آنچه در کتاب تشریح‌شده برای این شهر ترسیم شود.

- فقدان شرح حالی از نویسنده اثر و ذکر مطالبی درباره او، چون تولد و دوران حیاتش، زندگانی علمی وی، اعم از اساتید، شاگردان، و آثار علمی.<sup>۸</sup>

- تداخل و تکرار در نام‌گذاری‌ها: در برخی موارد نظام تقسیم و شماره‌گذاری رعایت نشده است (وقتی چیزی را تقسیم می‌کنیم رابطه قسیم‌ها باید متباین باشد، یعنی قسیم‌الشیء غیرالشیء است و رابطه قسیم با مقسم عینیت است و نسبتش عموم و خصوص مطلق). برای مثال صفحه ۴۲ شماره ۲ آن عصر عباسی است که مقسم الف در صفحه ۳۵ است که آن هم عصر عباسی نام‌گذاری شده است. به عبارت دیگر، در این‌جا قسیم‌الشیء خود آن شیء است و نه زیرمجموعه آن. هم‌چنین موارد متعددی در شماره‌گذاری‌ها که اصل و فرع مخلوط شده است مانند شماره یک مفهوم تمدن در میراث عرب، صفحه ۱۳ تا ۱۹: متون ادبی و قرآن و دیدگاه ابن خلدون. صفحه ۲۴: عناصر پدیده‌های تمدنی که با زیرمجموعه‌های آن شماره‌های یک‌سانی خورده تا صفحه ۲۹. هم‌چنین در صفحه ۳۵ تمدن و تاریخ عباسی که شماره ۱ است فروع آن نیز شماره ۱ خورده است. این مشکل به صورت مستمر وجود دارد. برای رفع آن می‌توان از روش شماره‌گذاری در قالب روشن‌شدن زیرمجموعه‌ها (۱-۱، ۱-۲، و ...) و یا از روش ترکیب اعداد با حروف ابجد و یا دیگر موارد مشابه استفاده کرد.

## ۲.۵ کاستی‌های محتوایی

یکی از موضوعاتی که در هر تحقیقی بدیع و روشمند بودن آن را می‌رساند، پیشینه تحقیق است. اهمیت این بخش به آن دلیل است که کم‌تر موضوعی است که هیچ پژوهشی درباره آن انجام نشده باشد (ملایی توانی، ۱۳۸۶: ۹۴). در کتاب مکی جای پیشینه تاریخی بحث

خالی است. مطلب چندانی از سوی مؤلف و حتی مترجم در این خصوص ذکر نشده است. این مطلب در حالی است که کتاب‌ها و آثار بسیاری درباره فرهنگ و تمدن اسلامی تدوین و تألیف شده که کتاب‌نامه موجود در انتهای خود این کتاب نیز دال بر مدعای فوق است. در صورت ارائه چنین مطالعاتی و ذکر نقاط قوت و ضعف آن منابع، برجستگی‌ها و نوآوری‌های کار خود را روشن می‌ساخت.

- بخش چهارم حاوی مطالبی درباره منابع و مراکز فرهنگ، اندیشه، ادبیات، و هنر در عصر عباسی است که بی‌شک میزان تأثیرگذاری آن‌ها در تمدن پیش‌تر است تا بخش دوم که از مجتمع‌های مسکونی و احوال معیشت سخن گفته است. به نظر می‌رسد بهتر بود بخش چهارم کتاب بر بخش دوم پیشی گیرد.

- گاه مطالب مطرح شده بدون آدرس و ارجاعی از منبع اصلی آن‌ها آمده‌اند مانند صفحه ۳۵۸ که داستانی از ابن سینا را مطرح می‌کند و آدرس آن را از بروکلمان و حسن ابراهیم حسن می‌آورد. هم‌چنین مطالبی از فارابی، ابن طفیل، و ابن رشد ذکر شده‌اند، بدون آن‌که به کتاب‌های ایشان استناد شود؛ با این‌که کتاب‌های مذکور به راحتی در دسترس است.

- در کل کتاب استقرای تام وجود ندارد، چه در منابع و مراکز فرهنگی و چه درباره اندیشه در عصر عباسی که نمونه‌هایی از آن‌ها خواهد آمد.

- مغفول ماندن بعضی از مطالب ضروری که در قسمت پیش‌نهادها به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

- اطالۀ کلام در موارد غیر ضروری؛ مثلاً بخش‌های اول و دوم بیش‌تر جنبه مقدمه‌چینی دارند که می‌شد آن‌ها را به اختصار در قالب چند صفحه آورد. هم‌چنین در مجموع می‌توان بدون آن‌که لطمه‌ای بر جامعیت مطالب وارد آید، به اختصارگویی پرداخت.

- در این کتاب نویسنده در معرفی شهرها بیش از همه به بغداد پرداخته است. شایسته بود برخی از شهرهای دیگر نیز معرفی و مقایسه می‌شدند یا حداقل یک جامعه آماری از شهرها در عصر عباسی ذکر و عمران و آبادی آن‌ها با بغداد مقایسه می‌شد. ارائه استقرایی، هر چند به صورت ناقص، امکان توصیف تعدادی از این شهرها و مقایسه وضعیت تمدنی آن‌ها را فراهم می‌کرد. هم‌چنین درباره آب‌رسانی و تأسیسات شهری در صفحه‌های ۱۲۶-۱۳۲ این مشکل وجود دارد.

- در توصیف شهر بغداد در صفحه ۱۳۲ سطر ۸ آمده است: «اسلام عامل اساسی یک جنبش مسکونی بود...». به نظر می‌رسد بهتر بود به جای کلمه جنبش مسکونی، خانه‌سازی یا شهرسازی قرار می‌گرفت. هم‌چنین با اندکی دقت حتی در خود این کتاب

معلوم می‌شود که در بغداد، در حکم گل سرسبد شهرهای عصر عباسی، در کنار کاخ‌های عظیم، مشقت فقرا و محرومان وجود داشت؛ بنابراین نمی‌تواند عامل اساسی آن اسلام باشد، زیرا هدف مهم این‌گونه شهرسازی‌ها حفظ امنیت برای خلیفه و دولت‌مردان آن‌ها بود. به‌ویژه آن‌که در صفحه ۱۲۵ کتاب در توضیح ایرادهای سفیر روم به سه عیب شهر بغداد اشاره می‌کند و می‌گوید: دوری از آب، کمبود فضای سبز، و زندگی رعیت در نزدیکی حاکم. پس از آن منصور عیب‌هایی را که او گفته بود برطرف کرد. در حالی که بر اساس ارزش‌های اسلامی زندگی حاکم و مردم باید در کنار هم و در منظر یک‌دیگر باشد، نه آن‌که دور از یک‌دیگر و متفاوت.

- در برخی موارد در تبیین مفاهیم و واژگان و یا نسبت بین آن‌ها ابهام و اشکالاتی وجود دارد؛ مانند:

- صفحه ۱۸ سطر ۹: «عمران اعم از تمدن است...»، اما در یک روستا هم عمران صدق می‌کند، ولی مساوی تمدن نیست. البته به نظر می‌رسد در این باره ترجمه روان و واضح نیست.

- صفحه ۳۱ تا ۳۳ نسبت بین تمدن و فرهنگ: ظاهراً نویسنده قول ویل دورانت را پذیرفته است که در نتیجه آن نسبت بین فرهنگ و تمدن را عام و خاص مطلق معرفی می‌کند؛ در حالی که بهتر بود اقوال مختلف در این باره ذکر می‌شد و شاید بهترین قول رابطه نور و سایه بر اساس نظر بعضی از محققان باشد، به این معنا که فرهنگ به منزله روح تمدن است (رحیمی، ۱۳۹۰: ۲۵).

- صفحه ۱۸ دیدگاه ابن خلدون: آیا منظور مفهوم اصطلاحی‌ای است که در شماره ۴ قرار گرفته؟ بنابراین باید عنوان بحث اصلاح و مشخص شود که برای توضیح مفهوم اصطلاحی از نظر ابن خلدون بهره برده شده است. از سوی دیگر، چرا فقط نظر ابن خلدون مطرح شده است؟ با این‌که افرادی نظیر ابوریحان بر او تقدم دارند. هم‌چنین در بحث مدنی بالطبع بودن انسان، حکمایی نظیر فارابی و بوعلی درباره اثبات ضرورت نبوت خیلی پیش‌تر سخن رانده‌اند.

- صفحه‌های ۳۵ تا ۳۷: «تاریخ حوادث است... اما آنچه تغییر را ایجاد می‌کند زمان است...». این سخن پذیرفتنی نیست؛ زیرا زمان پدیدآمده از حرکت و تغییر است و اگر حرکتی نباشد، زمان به وجود نمی‌آید. هم‌چنان که خود حرکت هم مربوط به موجودات مادی است و نه مجرد؛ به تعبیر منطقی آن چون زمان «کم متصل غیر قار» است، از اعراض و بر موجودات مادی سوار است.

- صفحه ۳۶ پاراگراف‌های سوم و چهارم: «بدین ترتیب ...». ظاهراً این توضیح سخنان بخش قبلی نویسنده را نقض می‌کند؛ زیرا فرهنگ از نظر ایشان تا همه‌جایی نشود تمدن نیست، بنابراین نباید تمدن به امری اختصاص داشته باشد، بلکه باید به انسان مرتبط باشد، نه قوم و قبیله و ملت، در صورتی که این‌جا عکس آن مطالب را گفته‌اند.

- بعد از واژه تمدن شایسته بود لغات هم‌سو با آن ذکر می‌شد تا جایگاه لغت تمدن با توجه به کتاب‌هایی نظیر *فروق اللغویه* مشخص شود تا خواننده نظر انتخاب‌شده نویسنده را بهتر دریابد.

- شایسته بود معادل‌های امروزی کلماتی مانند رطل و ذراع در پانویس ذکر می‌شد.

## ۶. نتیجه‌گیری

اگرچه این کتاب امتیازات قابل توجهی دارد، از نظر حجم می‌توان آن را تقلیل داد. حداقل یک‌سوم آن بدون لطمه خوردن به کل کتاب قابل حذف است و حتی می‌توان به جای آن مطالب، نکاتی را به صورت گزیده با ارائه جداول و یا نقشه‌های مربوط به اصل بحث مطرح کرد. البته گفتنی است که یک‌سری کاستی‌ها که مطرح شده ممکن است مربوط به نارسایی ترجمه باشد و در برخی موارد نیز پیش‌نهاد می‌شود بعضی مطالب اضافه شود، از جمله:

- مهم‌ترین خلأ و کاستی این نوشته فقدان فصلی درباره نقش ائمه علیهم‌السلام در فرهنگ و تمدن عصر عباسی است، به‌ویژه آن‌که نهضت فکری امام صادق (ع) ۴هزار تا ۶هزار شاگرد پروراند و امام رضا (ع) با ارباب اندیشه‌ها و مذاهب به مناظره نشست. سزاوار و شایسته است در مرکز جهان تشیع (ایران) در کتاب‌های درسی دانشگاهی این امر مغفول واقع نشود.

- نقش عباسیان در جلوگیری از اعتلای وافر فرهنگ و تمدن: یکی از مهم‌ترین بسترهای رشد و اعتلای فرهنگ و تمدن در یک جامعه نظام عادلانه است. در عصر عباسی شخصیتی چون امیرالمؤمنین (ع) که دشمنانی مانند معاویه را به اقرار واداشت که «روزگار مانند علی نخواهد زایید» و ائمه معصومی چون امام صادق و امام کاظم (ع) حضور داشتند، اما حاکمان عباسی مانع شدند که مردم از آن امامان و از شاگردان آنان بهره‌ وافر ببرند و خلافت عباسی جلوی اعتلای فرهنگ و تمدن را از این جهت سد کرد.

- شایسته است فصلی درباره تأثیر تمدن عباسی در تمدن غرب در شاخه‌های گوناگون علوم عقلی، تجربی، هنر، تجارت، و صنعت باز شود. البته نویسنده در مواردی جزئی به این مطالب اشاره کرده است، اما بهتر بود که جداگانه آورده می‌شدند.



- یکی از موارد مهم بررسی اقدامات فرهنگی دوران بنی عباس و امیران و حاکمان آنان، تعصب‌های بی‌جا و کوتاهی از بهره‌مندی از دستاوردهای نوابغ بزرگی چون بوعلی است که آنان را وادار به متواری شدن می‌کردند. هم‌چنین برخی حاکمان به جای قدردانی و به کار بردن آثار آنان در متن جامعه و یا حکومت، به این آثار ارزشمند بی‌توجهی می‌کردند و یا حتی آن‌ها را می‌سوزاندند و از بین می‌بردند.

- بعضی مطالب درباره‌ی نوآوری‌ها در علوم گوناگون لازم است که ذکر شوند، ولو به صورت فهرست‌وار در باب موضوعات و یا مواردی مانند فیزیک، مکانیک، ساخت توپ جنگی، ساعت زنگ‌دار، روان‌پزشکی با عنوان طب روحانی و ...

و اما ترجمه؛ مهم‌ترین پرسش این بخش آن است که چه اسباب و علت‌هایی مترجم را به ترجمه کتاب ترغیب کرده است. در اصل گزینش متنی برای ترجمه اغلب با روحیات فردی رابطه دارد و از علایق وی ناشی می‌شود. مترجم در سطرهای پایانی مقدمه خود نگاشته است: «این کتاب می‌تواند جای خالی کتاب درسی کلیات فرهنگ و تمدن اسلامی را تا حدودی پر کند». وی پیش از آن نیز متذکر شده است که کتاب به تقریب همه حوزه‌های علمی، فرهنگی، و تمدنی دوران عباسیان را بررسی کرده و اجمالی از دستاوردهای عظیم ملل اسلامی را در سایه فرمانروایی خاندان عباسی تقدیم کرده است. با این توضیح روشن می‌شود که مترجم جامعیت اطلاعات کتاب و قصد بهره‌گیری از آن به منزله کتاب درسی را انگیزه خود معرفی کرده است.

از سوی دیگر وجود شاخصه‌ها و ممیز در متن کتاب مترجم را به ترجمه ترغیب می‌کند. شاخصه‌هایی از قبیل شناخت جنبه‌های گوناگون تمدن طولانی عصر عباسی، ایجاد شوق مطالعه بیش‌تر در خواننده، مباحث دل‌چسب و شیرین کتاب، و آگاهی خواننده کتاب از گوشه‌ای از دستاوردهای شگفت مسلمانان در عصر عباسی.

کتاب نیز از وجوهی اهمیت دارد. مواردی از قبیل رویکرد به بخش تمدنی تاریخ اسلام برای نشان دادن دستاوردهای عینی آن، جمع کردن و ذکر اطلاعات تمدنی عصری نسبتاً طولانی در یک مجلد که سهولت دسترسی را فراهم آورده است، و فقدان متنی این‌چنینی در زبان فارسی.

## ۷. تمایز نقد متن و نقد ترجمه

مسلم است ترجمه متونی از این دست سختی‌های خود را دارد. وجود لغات و مصطلحات خاص در حوزه تمدنی، که هر کدام مدلولات ویژه‌ای نیز دارند، در انتقال از

زبانی به زبان دیگر مشکلاتی برای مترجم به وجود خواهند آورد. به همین دلیل نقد متون ترجمه‌ای نیز ویژگی‌ها و سختی‌هایی دارد. بررسی صحت ترجمه و رسایی مطلب و میزان وفاداری به متن اصلی و توانمندی در رساندن پیامی که نویسنده داشته عمده‌ترین بخش کار است. در اصل برگرداندن متنی از زبانی به زبان دیگر ناخواسته به رسایی متن ضربه وارد می‌کند که چاره‌ای برای آن نیست، اما توانمندی مترجم در انتقال می‌تواند بخشی از این معضل را جبران کند. به نظر می‌رسد مترجم محترم در ترجمه کتاب *تمدن اسلامی در عصر عباسیان* از عهده آن برآمده باشد. در نهایت کتاب فوق می‌تواند یکی از مؤثرترین کتاب‌ها برای آشنایی علاقه‌مندان با حوزه تمدنی اسلام تلقی شود.

### پی‌نوشت‌ها

۱. محمدکاظم مکی نویسنده‌ای لبنانی است. با جست‌وجوی اینترنتی پنج اثر از وی به ثبت رسیده است: ۱. *الحركة الفكرية في جبل عامل نشر دار الاندلس*، یک جلد، چاپ دوم سال ۱۹۸۲ (دو بار به چاپ رسیده است)؛ ۲. *المدخل الى حضارة العصر العباسي* (کتاب مورد بحث ما) نشر دارالزهراء لأعلام العربی، بیروت، یک جلد، ۱۹۹۰؛ ۳. *النظم الاسلاميه فی ادارات الدولة و سياسات المجتمع*، نشر دارالزهراء، ۱۹۹۱؛ ۴. *قواعد اللغة العربية*، نشر دارالزهراء؛ ۵. *منطق الحياة الثقافية*، نشر دارالزهراء، ۱۹۹۱. هم‌چنین از وی آثاری در تعلیم و تربیت اسلامی و برخی شخصیت‌های شیعی در *مجله‌های الموسم و المنطق* یافت می‌شود (برای اطلاع بیشتر ← [www.noormags.com](http://www.noormags.com)).
۲. ← طقوش، ۱۳۸۰.
۳. برای اطلاع بیشتر ← ابن خلدون، ۱۴۰۸.
۴. برای مثال ← مقدسی، ۱۴۱۱؛ ابن فقیه، ۱۴۱۶.
۵. در این خصوص مورخانی مانند ابن طقطقی (۱۴۱۸) در قرن هشتم در لابه‌لای حوادث سیاسی به ذکر برخی از اصناف و نقش آن‌ها در رویدادهای تاریخی اشاره کرده است.
۶. در این زمینه می‌توان به آثار پژوهشی دیگری که جزو کتب درسی دانشجویان نیز محسوب می‌شوند مراجعه کرد (← آرام، بی‌تا؛ سیریل، ۱۳۵۶؛ حلبی، ۱۳۸۲؛ ولایتی، ۱۳۸۴).
۷. برای اطلاعات بیشتر ← متز، ۱۳۷۷؛ لوکاس، ۱۳۸۲؛ دورانت و جیمز، ۱۳۷۷.
۸. حتی با جست‌وجوی اینترنتی در چندین سایت نیز شرح حالی از نویسنده جز آن‌چه در پی‌نوشت ۱ ذکر شد به دست نیامد.

## منابع

- آرام، احمد (بی تا). *علم در اسلام*، تهران: سروش.
- ابن خردادبه (۱۹۹۲). *المسالک و الممالک*، بیروت: دار صادر.
- ابن خلدون (۱۴۰۸ق). *تاریخ ابن خلدون*، ج ۳ و ۴، بیروت: دارالفکر.
- ابن طقطقی (۱۴۱۸ق). *الفخری*، بیروت: دارالقلم العربی.
- ابن فقیه (۱۴۱۶ق). *البلدان*، بیروت: عالم الکتب.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۸۲). *تاریخ تمدن در اسلام*، تهران: اساطیر.
- دورانت، ویل و ویلیام جیمز (۱۳۷۷). *مشرق گاهواره تمدن، عصر ایمان*، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران: سازمان انتشارات آموزش اسلامی.
- رحیمی، غلامرضا (۱۳۹۰). *نگرشی نو بر تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم: نشر شکوفه.
- سیریل، الگود (۱۳۵۶). *تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت اسلامی*، ترجمه باهر فرقانی، تهران: امیرکبیر.
- طغوش، محمدسهیل (۱۳۸۰). *دولت عباسیان*، ترجمه حجت الله جودکی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- لوکاس، هنری استیون (۱۳۸۲). *تاریخ تمدن از کهن ترین روزگار تا سده ما*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: سخن.
- متز، آدام (۱۳۷۷). *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا رنسانس اسلامی*، ترجمه علیرضا ذکاوتی، تهران: امیرکبیر.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۴۱۱ق). *احسن التقاسیم*، مکتبه مدبولی.
- مکی، محمدکاظم (۱۳۹۱). *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*، ترجمه محمد سپهری، تهران: سمت.
- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۸۶). *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، تهران: نشر نی.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۴). *پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی*، تهران: انتشارات وزارت خارجه.